



Re-reading the structural-semantic course of Zurkhanehs from myth to Sufism

Zahra Asgari¹*, Bager Ali Adel far²

¹*Graduated from Persian language and literature from Imam Khomeini International University

²Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
28/06/2021

Accepted:
10/10/2021

Ancient and Zurkhaneh sport is a ritual and culture attributed to ancient times, which dates back to pre-Islamic times in terms of foundation, which in terms of form and actions, as well as meaning and beliefs, is full of mythological and ritual symbols in The course of its evolution is indebted to the myths of Mehri, the Zoroastrian religion, the spirit and culture of heroism and Ayari, the Shiite beliefs and the creed and the monastic profession. Therefore, Zurkhanehs are taken from the seals of Mehr worship, Zoroastrian fire temples, Sufi monasteries, and Shiite symbols from the point of view of form and architecture of people such as Pahlavan, Murshid, Hazrat and ... influenced by ritual mythology. Is religious and heroic In terms of sports and wrestling, such as wrestling, the influence of myths, epics, ancient rituals, and religious beliefs is evident, which is well coexistence and harmony of ancient myths and rituals of Iran with Islam. , The religion of Shiism and the current of Sufism. This article seeks to examine the Zurkhanehs in terms of having different Iranian-Islamic themes through the analysis-content method, and the Zurkhanehs are due to this interaction with different cultural-ritual aspects in different historical periods. Despite the change of governments, religions, etc., they have maintained their existence and focus as a people's base to this day.

Keywords: Zurkhaneh , Myth, Mehr worship, Zoroastrianism, Shiism, Sufism.

Cite this article: Asgari, Zahra. Adel far, Bager Ali. (2022) Re-reading the structural-semantic course of Zurkhanehs from myth to Sufism. *Interdisciplinary research in persian Language and literature*, Vol. 1, New Series, No.1, spring and summer 2022: pages:27-43.

DOI: 10.30479/irpli.2021.15795.1035

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



***Corresponding Author:** Zahra Asgari

Address: Graduated from Persian language and literature from Imam Khomeini International University

E-mail: zasgari199@gmail.com

بازخوانی سیر ساختاری-معنایی زورخانه‌ها از اسطوره تا تصوف*

زهرا عسگری^{۱*}، باقرعلی عادلفر^۲

^{۱*} دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷
پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

ورزش باستانی و زورخانه‌ای، آیین و فرهنگی است منتسب به دوران باستان که قدمتش به پیش از اسلام می‌رسد و از لحاظ شکل و اعمال و نیز معنا و اعتقادات، مشحون است از نمادهای اساطیری و آیینی که در سیر تطور خود، وامدار اساطیر مهری، آیین زرتشتی، روحیه و فرهنگ پهلوانی و عیاری، اعتقادات شیعی و مرام و مسلک خانقاهی است؛ از این رو، زورخانه‌ها از منظر شکل و معماری، برگرفته از مهرابه‌های مهرپرستی، آتشکده‌های زرتشتی، خانقاه‌های صوفیانه و نمادهای شیعی است و از منظر اشخاص، نظیر پهلوانان، مرشد، حضار و غیره متأثر از اساطیر آیینی، دینی و پهلوانی است. از لحاظ انواع ورزش‌ها و اعمال پهلوانی نظیر کشتی نیز تأثیر اساطیر، حماسه‌ها، آیین‌های باستانی و باورهای دینی مشهود است که به‌خوبی هم‌زیستی و وفاق اسطوره‌ها و آیین‌های باستانی ایران‌زمین را با دین اسلام، مذهب تشیع و جریان تصوف نمایان ساخته است. این مقاله به روش تحلیل محتوا در پی آن است تا زورخانه‌ها را از لحاظ برخورداری از مضامین مختلف ایرانی-اسلامی بررسی کند. زورخانه‌ها به‌سبب همین تعامل با وجوه مختلف فرهنگی-آیینی است که در ادوار مختلف تاریخی با وجود تغییر حکومت‌ها، ادیان و غیره توانسته‌اند به‌عنوان پایگاهی مردمی، موجودیت و محوریت خویش را تا به امروز حفظ کنند.

کلمات کلیدی: زورخانه، اسطوره، مهرپرستی، زرتشتی، تشیع، تصوف.

استناد: عسگری، زهرا، عادلفر، باقرعلی (۱۴۰۱). بازخوانی سیر ساختاری-معنایی زورخانه‌ها از اسطوره تا تصوف، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱: ۴۳-۲۷.



حق مؤلف © نویسندگان.

DOI: 10.30479/irpli.2021.15795.1035

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

ایرانیان از دیرباز برای ورزش و پرورش و تقویت جسم، اهمیت زیادی قائل بودند که این آموزه‌ها در قالب اساطیر، فرهنگ پهلوانی، آیین‌های کهن ایرانی، ادیان توحیدی و جریان‌های فکری بازتاب یافته است. این میزان از بسامد و توجه به این امر مهم، علاوه بر بحث پرورش جسم در برابر کمال و تعالی روح، از لزوم آشنایی با آداب جنگاوری در کشور وسیع و کهنی چون ایران حکایت دارد، چنان‌که به گواه تاریخ نیز حافظه سرزمین ایران پر است از وقایع و رویدادهایی که شامل دفاع، مبارزه، لشکرکشی و جنگ با اقوام بیگانه و کشورهای همسایه‌ای است که با دلایلی چون ترویج ادیان تازه، کشورگشایی و غیره حریم مرزهای ایران را درهم می‌شکستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به لشکرکشی اعراب و حمله مغول اشاره کرد. پس از این هجمه‌ها، گویی لزوم ایجاد و تأسیس پایگاه‌هایی برای پرورش افراد جنگاور برای مقابله با خطرهای احتمالی و هجمه‌های ناگهانی، بیش از پیش احساس شد و علاوه بر ضرورت آمادگی ارتش و نیروهای رسمی و نظامی، از آنجاکه باتوجه به مستندات تاریخی فراوان، شاهد حصر شهرها، مقاومت و مبارزه مردمی و دفاع توده‌های مردمی با متجاوزان بوده‌ایم، آمادگی عامه مردم نیز از دیرباز در این سرزمین، امری ضروری محسوب می‌شد و برگزیدگانی از همین مردم عادی، سردمداران ایجاد پایگاه‌هایی بودند که علاوه بر بحث تقویت قدرت بدنی، مرکز اشاعه اخلاق نیز به شمار می‌رفتند.

در شاهنامه شاهد هستیم که پهلوانان، سودای سلطنت ندارند و فقط در سر بزنگاه‌ها کمر به خدمت شاهان در دفاع از تاج و تخت کیانی بسته‌اند و علاوه بر آن، حمایت از توده‌های مردم و دستگیری آنان را هم عهده‌دار هستند که همین روحیه را در زورخانه‌ها نیز شاهد هستیم. زورخانه‌ها نخست به منظور آمادگی توده‌های مردمی و غیرنظامیان برای رویارویی با دشمنان خارجی و بیگانگان و متجاوزان شکل گرفت که فلسفه اصلی تأسیس آن به‌شمار می‌رفت. علاوه بر این کارکرد مهم، مقاصد و اهداف دیگری نیز سبب شکل‌گیری و تقویت این پایگاه‌ها شد. زورخانه‌ها صرفاً مراکز منفعلی نبودند که به دور از جریان‌های روز، صرفاً با کارکردی ورزشی در پی تقویت زور و بازو و تأمین قدرت بدنی باشند؛ بلکه همواره در طول تاریخ به‌ضرورت زمانه، مراکزی برای مقاومت با دیکتاتوری داخلی نیز به‌شمار می‌رفتند. زورخانه‌ها در پی تشویق جوانان برای جذب در این مکان‌ها، علاوه بر بحث پرورش جسم و چالاکی و ورزشی در پی همسو کردن آن با تقویت روح و تعالی معنویت در جوانان بودند تا چون پهلوانان ملی و مذهبی خود با حفظ این تعادل در پرورش جسم و جان، به تکامل برسند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در زمینه ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای، کتاب‌های متعددی تدوین شده است. آثاری چون: تاریخ ورزش باستانی ایران از حسین پرتویضایی (۱۳۳۷)، پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای از محمد مهدی تهرانچی (۱۳۴۴) و مقاله «زورخانه و ورزش باستانی» از مصطفی صدیق (۱۳۴۳). در این میان، آثاری نیز علاوه بر پرداختن صرف به ورزش‌های باستانی و بحث تاریخچه و معرفی اعمال پهلوانی، به ارتباط این مراسم با آیین‌های کهن ایرانی پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن از مهرداد بهار (۱۳۷۰)، «آیین مهر و ورزش باستانی» از مهرداد بهار (۱۳۹۰)، ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای از پدرام آقایی مطلق (۱۳۹۰)، تاریخ و فرهنگ زورخانه از غلامرضا انصاف‌پور (۱۳۵۱)، ورزش باستانی از دیدگاه ارزش از محمد مهدی تهرانچی (۱۳۸۵)، «جلوه‌های تصوف، فتوت و تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران» از علی حیدری و ناصر دولت‌شاه (۱۳۹۱) و «سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه‌ای در ایران» از محمود گودرزی (۱۳۸۳).

۲. بحث و بررسی

۱-۲. تاریخچه ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای

در بیان تاریخچه زورخانه‌ها، چند فرضیه وجود دارد: یک بحث، واژه زورخانه است که نسبت به فرهنگ پهلوانی، سابقه چندانی ندارد و بحث دیگر، ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌های ایجاد زورخانه است که به مهرپرستی، کهن‌ترین آیین ایرانیان منتسب است. آیین‌ها و مراسم مهری با توجه به اساطیر کهن مهرپرستی - که تولد میترا، خدای مهر را از یک صخره می‌دانند - در فضای غارهای کوچک شکل می‌گرفت که نشان‌دهنده قربانی گاو نخستین در درون غار به دست میترا است. معابد مهری هیچ‌گاه به شکل معابد و پرستشگاه‌های باشکوه سایر ادیان در نیامد و همواره سادگی و شکل بدوی و قدسی خود را - که بیشتر بیانگر ماهیت اسطوره‌ای آن بود - حفظ کرد. پس از ظهور زرتشت و با وجود تلاش‌هایی که در پی حذف مظاهر و نمادهای مهرپرستی شکل گرفت، خدای مهر به‌عنوان ایزدی کهنتر، همچنان مورد پرستش قرار گرفت و فقط از مقام والای خود تنزل یافت و در مرتبه بعد از اهورامزدا قرار گرفت؛ اما هرگز چهره والای او در نزد ایرانیان به‌عنوان ایزدی نیک و محبوب، مخدوش نشد. با تخریب مهرابه‌ها و ایجاد آتشکده‌ها، نخستین پایگاه‌های آیینی ایرانیان نیز تغییر شکل دادند و به شکل آتشکده‌هایی برای پرستش اهورامزدا و تکریم و تقدس آتش درآمدند: «مکان‌های مذهبی - آیینی که روزگاری نیایش‌گاه مهر و آنهایتا بودند، به آتشکده تبدیل شدند» (جوادی، ۱۳۹۷: ۱۰).

با ظهور اسلام در ایران به‌عنوان یک دین توحیدی، مساجد جایگزین مظاهر زرتشتی شدند که علاوه بر آن، در دوره‌های آغازین اسلامی، با ظهور جریان تصوف، خانقاه‌هایی همپای مساجد در گوشه

و کنار ایران تأسیس شدند که تربیت مریدان و سالکان را برای رسیدن به سلوک و سعادت برعهده داشتند. در میان پایگاه‌های مهمی چون مهرابه‌ها، آتشکده‌ها، مساجد و خانقاه‌ها، مراکز دیگری نیز در ایران تأسیس شدند که جامع تمامی مراکز پیشین و وامدار همه آن‌ها به‌شمار می‌رفتند. زورخانه‌ها از منظر شکل و ساختار، شبیه مراکز و پایگاه‌های مهمی هستند که همواره در طول تاریخ، محل تجمع ایرانیان به‌شمار می‌رفته‌اند که علاوه بر کارکرد عبادی و آیینی، اهداف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و غیره نیز در آن دنبال می‌شده است.

تاریخچه تأسیس زورخانه‌ها را با همین عنوان و کارکرد، نباید به پیش از حمله مغول منتسب دانست که وجود نخستین پهلوانان زورخانه‌ای ایران، چون پهلوان «محمود خوارزمی» معروف به «پوریای ولی» در قرن هشتم، گواهی بر این ادعاست: «سازمان‌دهی زورخانه به شکل کنونی را پوریای ولی در حدود هفتصد سال قبل انجام داده است» (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۲۱۷). در قرن دهم با ظهور صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، زورخانه‌ها نیز به تبع آن، به رنگ‌وبوی مذهب نو درآمدند: «زورخانه را در بسیاری از شهرها ورزش‌خانه می‌نامیدند که قدمت این نام به دوران صفویه می‌رسد؛ ولی قبل از صفویه، زورخانه را آماج‌خانه می‌خواندند که به معنی محل تیراندازی است» (پرتو بیضایی، ۱۳۳۷: ۴). در زورخانه‌ها در کنار تأسی به الگوهای شاخص پهلوانی ایران‌زمین، تکریم و پاسداشت امیرالمؤمنین^(ع) و اولاد وی، خاصه حضرت سیدالشهدا^(ع) در اولویت قرار داشت که معماری آن نیز متأثر از این فرهنگ آیینی بود، چنان‌که تا امروز شاهد این سازواری و تعامل هستیم.

در ادامه با گسترش بحث در باب سیر تطور زورخانه، نخست آن را از منظر شکل و ساختار بررسی می‌کنیم که منظور ما از زورخانه‌ها، مراکز متأخری است که با شکل و هیئت کنونی در پایان این سیر اساطیری و تاریخی به دست ما رسیده است که نمونه‌ای تکامل‌یافته از زورخانه‌های نخستین به شمار می‌روند، سپس بحث را در باب اعتقادات و اعمالی که در زورخانه‌ها برگزار می‌شود، پی می‌گیریم و ریشه‌های آن را در ساحت‌های ادیان اساطیری، فرهنگ پهلوانی، عقاید شیعی و جریان صوفیگری، بررسی و واکاوی می‌کنیم. درنهایت، به شرح و بسط نمونه‌های مهمی چون ورزش کشتی، آلات و ادوات پهلوانی و غیره خواهیم پرداخت.

۲-۲. تأثیرپذیری ورزش زورخانه‌ای از آیین مهری

آیین مهری به‌عنوان کهن‌ترین آیین ایرانیان، علاوه بر برخورداری از قداست و اهمیت وافر در ایران، در میان اقوام کهن سایر ممالک نیز پرستش می‌شده است که حتی به اروپا نیز راه پیدا کرد و هنوز هم باتوجه به سیطره کامل مسیحیت در اروپا، می‌توان رگه‌هایی بازمانده از آیین مهرپرستی و میترائیسم را در بارزترین آداب و اعمال مسیحیت مشاهده کرد.^۱ از آنجاکه بسته به هر آیینی که در یک کشور فراگیر می‌شود، لزوم ساخت محلی مشخص برای عبادت، ترویج و جذب، گردهمایی پیروان و غیره ضروری

است، از این رو، در ایران نیز مهرابه‌های فراوانی برای ستایش و تکریم خدای مهر در دل غارها و صخره‌ها ایجاد شدند که همه آن‌ها بسته به اساطیر نخستین این آیین کهن و آموزه‌های آن، در شکل و ساختار و عبادات و اعمال با یکدیگر اشتراکاتی داشتند: «گاهی اوقات که مقتضیات مکانی اجازه نمی‌داد مهرابه‌ای صخره‌ای در دل کوه تعبیه نمایند، مهرابه‌ای با مصالح ساختمانی معمولی می‌ساختند و در این امر دقت می‌شد که معبد سیمای غار داشته باشد. نتیجه این شد که تا حد امکان مهرابه‌ها زیرزمینی ساخته می‌شدند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۲).

مهرابه از لحاظ شکل «تاریک و بدون روزنه و پنجره است و بر دیوارهای غار، نقوش تمثیلی از این آیین تصویر شده است. از میان نقوش مهری، تصویری که در تمام مهرابه‌ها وجود دارد و اساسی‌ترین موضوع این آیین است، نقش گاوکشی مهر است»^۲ (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵۹). مهرابه‌ها را در فضای غارها بنا می‌کردند و در صورت نبود غار، آن را با ساختاری شبیه به غار کمی پایین‌تر از سطح زمین می‌ساختند؛ کم‌نوری و تنگی فضا از خصوصیات عمده و مشترک همه مهرابه‌ها به شمار می‌رود. زورخانه‌ها نیز در فضایی محدود و نسبتاً در زیرزمین ساخته می‌شوند که با طی پلکانی می‌توان بدان رسید و مرکز اصلی آن (یعنی گود) نیز پایین‌تر از سطح زورخانه قرار دارد. سقف زورخانه‌ها اکثراً گنبدی شکل است و گود درست در زیر آن قرار دارد: «گنبد در زورخانه‌ها و اماکن متبرکه و بقعه‌ها، گذشته از جنبه معماری، دارای ارزش معنوی بوده که هنوز هم متداول است. این اعتقاد از زمان‌های پیش از اسلام سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا گنبد را نشانه‌ای از نیروی آسمانی و ارتباط با عالم بالا می‌دانسته‌اند؛ لذا چرخیدن ورزشکاران در زیر گنبد نیز نوعی ارتباط معنوی و متافیزیکی با گردش جهان خلقت است» (تهرانچی، ۱۳۸۵: ۶۲).

قربت شکل مهرابه‌ها به غار علاوه بر تأثیرپذیری از اسطوره تولد مهر، از لزوم گردهمایی عده قلیلی از سران این آیین حکایت دارد. مهرابه‌ها بار عام نداشتند و فقط کسانی به مقام تشرّف می‌رسیدند که شایستگی عبادت و حضور در مهرابه‌ها را دارا بودند که کوچکی زورخانه‌ها مانند مهرابه‌ها نشان از آن دارد که فقط عده‌ای سرآمد و لایق، اهلّیت حضور در آن را کسب می‌کردند و به همین دلیل زورخانه‌ها در طول تاریخ از لحاظ وسعت، پیشرفت چندانی نداشته‌اند. در زورخانه‌ها به دلیل شرایط و ماهیت مردانه آن، زنان اجازه ورود و مشارکت نداشتند و مهرابه‌ها مکانی برای عبادات مردان به شمار می‌رفتند: «مردان جنگی اکثریت مهرپرستان را تشکیل می‌دادند، همچنان‌که نظامی و نظامی‌گری از امور مردانه است، آیین مهری نیز ظاهراً مردانه بود و نشانه‌ای از تشرّف زنان به این دین و دخالت و شرکت در مراسم و آیین‌های مذهبی به چشم نمی‌خورد و ورود به جرگه مهرپرستان برای مردان نیز امری دشوار و مستلزم گذراندن مراحل و آزمایش‌های سخت بوده است» (پرتو بیضایی، ۱۳۳۷: ۱۶).

در این آیین «پیروان مهری را با روحیه جنگی تربیت می‌کردند» (vermaseren.1963:39)؛ چراکه در زورخانه‌ها نیز پهلوانان به صورت نمادین آداب نبرد می‌آموزند. مراتب مهری برای رسیدن به تکامل،

شامل هفت مرتبه است^۳ که از این جهت نیز با مراتب هفتگانه زورخانه‌ای، دارای اشتراکاتی است که یکی از مراحل آن، سربازی است: «در آیین مهری یکی از مراحل که سالک باید از آن بگذرد، مرحله سربازی است» (ورمازرن، ۱۳۴۵: ۴۸). این مرحله، شباهت زیادی به روحیه جنگاوری اهالی زورخانه دارد که در آن پیروان اصلی آیین مهرپرستی و اهالی اصیل زورخانه‌ها باید مردمی کارآزموده و جنگی باشند. مرحله سربازی «منسوب به مریخ و نماد خاک است» (قدیانی، ۱۳۸۱: ۹۷) که از این نظر نیز با خاک گود کشتی و اصطلاحاتی نظیر «به خاک افکندن» قرابت دارد.

مهرابه‌ها دارای محراب هستند و «معمولاً دارای طاق‌هایی مزین به نقوش ستارگان که از نظر معماری، غار نشانه گنبد آسمان است و به همین علت، طاق مهرابه‌ها معمولاً محدب و مزین به ستاره‌ها است» (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۲). همچنین در مهرابه‌ها «فضایی تعبیه شده بود که دو طرف آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان قرار داشت تا شاهد مراسم‌ها و آیین‌های مهری باشند» (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵۹) که با سکوهایی تعبیه شده در زورخانه‌ها قابل تطبیق است. این سکوها به منظور تماشای اعمال و حرکات ورزشکاران و پهلوانان، مشرف به گود ساخته می‌شد. علاوه بر اشتراکات ظاهری مهرابه‌ها و زورخانه‌ها از نظر معماری، این دو ظاهراً در قصد و نیت گردهمایی تفاوت دارند: «در آیین مهر، پرورش تن برای رسیدن به حقیقت و سلامت روح، مهم‌ترین شرط بوده است» (الهی، ۱۳۷۳: ۷۳۲).

در اسطوره‌های کهن میترائیسم رومی آمده است: «خدای مهر هنگام تولد، جامه‌ای در بر نداشت و خود را با برگ انجیری پوشاند» (cumont.1956:132). برهنگی ورزشکاران باستانی در گود، نشانه‌ای از تأثیرپذیری ورزش‌های باستانی و بالخصوص کشتی از مهرپرستی است؛ چنانکه بنا به افسانه‌های رومی «ایزد مهر پس از زاده شدن بر آن شد تا نیروی خود را بسنجد و بدین رو، نخست با ایزد خورشید کشتی گرفت و او را بر زمین افکند و سپس با دست راست او را یاری داد تا برخیزد» (همانجا)؛ سپس مهر، تاجی بر سر خورشید نهاد که می‌توان آن را با آداب زورخانه‌ای یکسان دانست که چون «پهلوانی به مقام استادی می‌رسید و کمال تن و روان می‌یافت، از طریق پیشوایان طریقت به این افتخار دست می‌یافت که تاج فقر بر سر نهاد» (پرتو بیضایی، ۱۳۳۷: ۳۲). این نماد امروزه نیز در کشتی گرفتن به نشانه ادب و متانت کشتی‌گیران رعایت می‌شود و بهره‌گیری از همین نمادها و آمیختگی با سنت، فرهنگ و دین، امروزه آن را تبدیل به یک ورزش اخلاقی-ارزشی کرده است که هدف در آن، صرفاً پیروزی بر رقیب نیست.

خصوصیات ظاهری و اوصافی که از مهر در اسطوره‌ها آمده است، از لحاظ ظاهر نیز بر پهلوانان قابل تطبیق است. چنانکه در مهریشت در بندهایی مختلف، مهر چنین توصیف شده است: «مهر در میان موجودات، تواناترین است (بند ۶)، خوش اندام، بلندبالا و نیرومند است (بند ۷)، جنگاور و قوی‌بازوست

(بند ۲۵)، کسی که در جنگ پایدار می‌ماند (بند ۳۶) و قوی‌ترین خدایان، چالاک‌ترین و پیروزمندترین خدایان است (بند ۹۸)» (به نقل از بهار، ۱۳۷۰: ۶).

علاوه بر بحث اشتراکات مهرابه و زورخانه از نظر شکل و معماری و نیز شباهت‌های فرهنگی و اعتقادی، در ظاهر پوشش ورزشکاران نیز می‌توان نشانه‌های مهرپرستی را مشاهده کرد، طرح بته‌جقه‌ای که در تنک‌های پهلوانان نقش بسته است، نمادی از درخت سرو یا درخت زندگی است که در اسطوره‌های کهن ایرانی و بالخصوص در مهرپرستی، حضور و تأثیر چشمگیری دارد: «درخت سرو در آیین مهرپرستی، درختی مقدس بوده است» (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۹: ۱).

به سبب شباهت فراوان میان معماری مهرابه‌ها و زورخانه‌ها، می‌توان آن‌ها را الهام‌گرفته از مهرابه‌های مهرپرستی دانست. زورخانه‌ها از بدو تأسیس تاکنون باین‌همه مفاهیم رمزی و نمادین و تزیینات رنگارنگ و ابزار و آلات متنوع، نمی‌بایست به یک‌باره ایجاد شده باشند؛ بلکه معماری زورخانه سرشار از مفاهیمی غنی است که در باورهای عمیق ایرانیان باستان ریشه دارد: «طرح اصلی ساختمان زورخانه، برگرفته از معماری قبل از اسلام، به‌ویژه دوره اشکانی است» (قاسمی گل‌افشانی، ۱۳۹۵: ۷۱). این دوره، اوج عصر مهرپرستی در ایران است که این موضوع در انتخاب نام و عنوان «مهرداد» برای اغلب پادشاهان اشکانی کاملاً آشکار است.^۴

۲-۳. تأثیرپذیری ورزش زورخانه‌ای از آیین زرتشتی

زورخانه‌ها در شکل و معنا، از منظر بسامد، مشحون‌اند از نمادهای آیین مهرپرستی؛ اما با وجود این، می‌توان نشانه‌هایی از آیین زرتشتی را نیز در آن مشاهده کرد. در آیین اوستایی، پرورش تن و تقویت زور و بازو اهمیت زیادی دارد و در اوستا و متون اوستایی منتسب به آن، این موضوع مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. در تعالیم اوستایی آمده است: «هر ایرانی پاکدامن باید که پنج چیز از خدای خویش خواهان بود. نخست بهشت، دوم نیروی تن، سوم آرامش روح، چهارم کامروایی در شکستن دروغ و پنجم آگاهی از نیرنگ دشمن» (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

بنابر تعلیم اوستا «ناخوشی منسوب به اهریمن بوده و توسط او به بدن وارد شده است و وظیفه هر ایرانی، مبارزه با اهریمن است و صحت و نیرومندی برای هر ایرانی فریضه است؛ زیرا زرتشتیان معتقدند که تندرستی روح، وابسته به تندرستی جسم است. بنابر همین عقاید، ایرانیان باستان برای پرورش جسم و جان و تأمین سلامت و ایجاد روحیه دلآوری و سلحشوری، به فرزندان خود انواع ورزش‌ها را می‌آموختند» (همان: ۱۴۹-۱۵۴).

در مینوی خرد نیز چنین آمده است: «روان دانش را بر خود بیارایید و جامه اعتماد به نفس و اطمینان بر تن کنید و سپر راستی و درستی در دست بگیرید و با گرز سپاس و کمان تدارک، آماده به جنگ اهریمن بشتابید» (به نقل از حیدری، ۱۳۹۱: ۵۸).

مهم‌ترین ورزش زورخانه‌ای، کشتی است که می‌تواند تناسبی با کمربند مخصوص زرتشتیان داشته باشد که به دلایل متعددی از دیرباز بر کمر خویش می‌بستند که از مسلمانان بازشناخته شوند. حتی در ایران باستان «کشتی‌بستن برای یآوری اهورامزدا و جنگ با اهریمن است. کشتی، بندی سفید، باریک و بلند است که از هفتاد و پنج پشم سفید گوسفند بافته می‌شود. هر زرتشتی، پس از هفت سالگی از بستن کشتی - که بند بندگی خداوند است - ناگزیر است و با بستن کشتی، کالبد از نفوذ شیطان مصون می‌ماند، توجه به بستن کشتی آن اندازه اهمیت داشته است که بستن آن گناه محسوب می‌شده است» (همان: ۶۵)

۵

۲-۴. تأثیرپذیری ورزش زورخانه‌ای از فرهنگ پهلوانی و حماسی

علاوه بر نمادهای آیینی، زورخانه‌ها از مضامین فرهنگی‌ای چون پهلوانی و حماسی نیز تأثیر پذیرفته‌اند: «آثار حماسی، محصول طبع بلند شاعرانی است که افعال و اعمال بزرگان را ثبت کرده‌اند و به قول ارسطو، حماسه محصول طبایع بزرگ است» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۲: ۸۱۴). در کنار بحث قدرت بدنی، همواره مضامین رادمردی نیز در حماسه‌ها مطرح بوده است و از این رو، از دیرباز در زورخانه‌ها در کنار نمادها و تزئینات دینی و آیینی، شاهد مضامین و نمادهای ملی و پهلوانی بوده‌ایم که اوج آن در به‌کارگیری مضامین شاهنامه و شخصیت‌های پهلوانی است و کشتی‌گرفتن به‌عنوان عملی پهلوانی، در شاهنامه عملی رزمی محسوب می‌شده است که رویارویی و پیکار پهلوانان با یکدیگر علاوه بر استفاده از رزم‌افزارهای گوناگون، به‌صورت کشتی نیز انجام می‌گرفته است: «در شاهنامه فردوسی، همه جا مفهوم کشتی مترداف با زورمندی، پهلوانی، جوانمردی و قدرت است و تبلور ورزش در ایران باستان در کشتی و کشتی‌گرفتن است و سایر فنون در حاشیه رفته‌اند و به‌کارگیری لفظ کشتی به‌جای ورزش باستانی پُر بی‌راه نیست» (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

بارزترین این سخن، در مناظره رستم و سهراب آمده است:

بدو گفت رستم که ای نامجوی	نکردیم هرگز چنین گفت و گوی
ز کشتی گرفتن سخن بود دوش	نگیرم فریب تو، زین در مکوش
نه من کودکم گر تو هستی جوان	به کشتی کمر بسته دارم میان

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

بالاترین مرتبه در زورخانه، مقام «کهنه‌سوار» است که به ارتباط و تعامل میان پهلوان و اسب در عرصه حماسه اشاره دارد و وجه تسمیه آن گویا از آن جهت است که «برای تعلیم سوارکاری، شکار و ... چون از مرد با تجربه‌ای استفاده می‌شده است که در کارش کهنه‌کار بوده است؛ لذا بزرگ زورخانه را نیز کهنه‌سوار می‌خواندند» (تهرانچی، ۱۳۴۴: ۹۳).

علاوه بر موارد مذکور، مهم‌ترین نشانه تأثیرپذیری زورخانه‌ها از ساحت حماسه و فرهنگ پهلوانی این است که نام این مکان با وجود تأثیرپذیری از مهرپرستی، زرتشتی‌گری، آیین تشیع، تصوف و غیره بیشتر متأثر از حماسه است. پس از عصر اساطیری و دوره تقدس خدایان، انسان در عصر حماسی به باور تازه‌ای از خود دست پیدا کرد و در برابر قهر طبیعت، قد علم کرد و برخلاف اسطوره‌ها که در آن هر چیزی غیر از خود انسان، دارای ارزش و الوهیت بود، این‌بار در حماسه‌ها، انسان به خود تشخص بخشید و در کنار مظاهر الوهی و طبیعی، به ستایش زور و بازوی خویش پرداخت و آن را با چاشنی اغراق مزین ساخت و برخلاف شخصیت‌های اساطیری، این‌بار خود، قهرمان داستان‌هایش شد و به‌عنوان عصاره و زبده یک ملت «پهلوان» نام گرفت و در کنار خصوصیات نیک اخلاقی و ارزشی، بیشتر به‌سبب برخورداری از نیروی خارق‌العاده و توان شگرف، موردستایش قرار گرفت و از این‌رو، مکان ورزش‌های باستانی با وجود برخورداری از سایر مضامین دینی، اخلاقی و غیره «زورخانه» نام گرفتند که از اهمیت برخورداری از قدرت بدنی حتی در دوره معاصر، حکایت دارند که حتی با وجود رشد مضامین عقلی و فلسفی، قدرت هنوز در صدر خواسته‌های انسانی است که برای دفاع و تکریم از خویش به آن نیازمند است؛ چنان‌که در فرهنگ تشیع نیز شاهد هستیم که پهلوانان واقعه عاشورا و در صدر آنها حضرت عباس بن علی^(ع)، علاوه بر ستوده‌شدن به مضامین اخلاقی و ارزشی، بارها در تنومندی و بهره‌مندی از قدرت بدنی موردستایش قرار گرفته‌اند.

انتخاب عنوان «پهلوان» برای ورزشکاران باستانی کار، نشان دیگری از تأثیرپذیری مستقیم زورخانه‌ها از فرهنگ پهلوانی و حماسی ایران باستان است که امروزه نیز مرسوم است و به شیوه کهن، هنوز ورزشکاران زورخانه را «پهلوان» می‌خوانند. پهلوانان واقعی شاهنامه نظیر «رستم» داعیه تاج‌وتخت ندارند و در خدمت پادشاه و مردم در حفظ و حراست از میهن می‌کوشند و در قصرها ساکن نیستند و تنها در هنگام ضرورت فراخوانده می‌شوند. این نکته نشانی است از مناعت طبع پهلوانان حماسی که همین اوصاف در میان پهلوانان زورخانه‌ای نیز مشاهده می‌شود که از میان مردم عادی و برای آنها برخاسته‌اند و داعیه حکومت ندارند و چون پهلوانان کهن، دستگیر مردم و خیراندیش آنانند.

پهلوانان کهن عصر حماسی در ایران علاوه بر آنکه با اتکاء بر قدرت بدنی خویش در ورزش کشتی سرآمد بودند، در مراحل از جنگ‌ها نیز از ابزارها و سلاح‌های خاصی استفاده می‌کردند که این ابزارها به‌دلیل مضمون شگفت‌انگیز و ماورایی حماسه در آثاری چون شاهنامه، با اغراق توصیف شده‌اند که تنها مردمی خاص و جنگی می‌توانستند از آنها بهره بگیرند. استفاده از این ابزارها علاوه بر آنکه هنر و مهارت خاصی را می‌طلبد، به‌سبب آنکه فوق‌العاده سنگین و صاف شده‌اند، توش و توان ویژه‌ای را نیز طلب می‌کرد که پهلوانان با حمل و استفاده از این ابزارها، زور و بازوی خویش را به رخ حریف می‌کشیدند و بر مردم ضعیف نیز دلگرمی و امید می‌دادند که به‌سبب بهره‌مندی از این توانایی، حامی و

پشتیبان آنانند که این دیدگاه بازمی‌گردد به همان مضمون انسان‌محوری در ساحت حماسه‌ها و اهمیت و جایگاه قدرت بدنی در کنار مفاهیمی چون اخلاق و اندیشه. پهلوانان زورخانه نیز با تأسی از این دیدگاه، از دیرباز با ابزاری از این دست، در پرورش جسم و تن خویش می‌کوشیدند که می‌توان این ابزارها را متأثر از جنگ‌افزارهای عصر حماسی دانست که برای مثال «سنگ‌تخته در زورخانه به سپر، گرز به میل و کمان به کباده تغییر شکل داده است» (حیدری، ۱۳۹۱: ۵۸).

استفاده از این‌گونه ابزار، نشان دیگری است از تلاش همانندسازی میان باستانی‌کاران و پهلوانان کهن ایران که آن‌ها نیز چون نیاکان خویش آداب و مهارت استفاده از این ابزارها را فرا گرفته‌اند که علاوه بر بحث ورزش و تقویت زور و بازو، کنایتی است بر دشمنان که در صورت تهاجم و حمله آن‌ها، مردم غیرنظامی نیز آماده‌ی مقابله و دفاع از شهرهای خود هستند و در زورخانه‌ها آداب جنگاوری را آموزش دیده‌اند که در این دیدگاه، زورخانه‌ها چونان پادگان‌های مردمی تصویر می‌شوند که در تدارک سپاهی از خود مردم برای مبارزه با هر گونه تجاوزی شکل گرفته‌اند.

عنوان این‌گونه آمادگی‌ها و تلاش در جهت تقویت بُعد قدرت در انسان را از دیرباز در ایران «ورزش باستانی» می‌خوانند و مکان آموزش و انجام این‌گونه حرکات را «زورخانه» می‌گویند و به ورزشکاران سرآمد در این حرفه نیز عنوان «پهلوان» اطلاق می‌شود که نشان از آن دارد که این مقوله در حوزه عنوان، مکان و نام به‌شدت متأثر از فرهنگ حماسی و پهلوانی ایران قدیم است.^۶

۲-۵. تأثیرپذیری ورزش زورخانه‌ای از تصوف

پس از ورود اسلام به ایران، از همان قرن‌های نخستین هجری در کنار آموزه‌های دینی و شرعی، افکار و اندیشه‌های عرفانی نیز شکل گرفت که در دوره‌های بعدی به اوج شکوفایی خویش رسید. با صرف‌نظر از عرفان خاص ایرانی پیش از اسلام، منظور ما از عرفان و تصوف در این نوشتار، معطوف به عرفان اسلامی در ایران است که به‌سبب تولید این اندیشه نو، در کنار مراکز مهمی چون مساجد و تکایا، خانقاه‌هایی ساخته شدند که صوفیان به منظور تمرکز بر آداب سلوک و دوری از خلق، در آن‌جا گرد هم می‌آمدند که امروزه می‌توان زورخانه‌ها را در بحث زوایا و برخی نمادها، متأثر از خانقاه‌ها دانست: «پس از ظهور اسلام، یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری که بر زورخانه‌ها و آیین پهلوانی تأثیر گذاشته است، عرفان و تصوف اسلامی است. درحقیقت صوفیان در خانقاه‌ها و معابد با تزکیه نفس، خود را برای مقابله با دشمن درونی - نفس - آماده می‌کردند و پهلوانان نیز در زورخانه‌ها با تقویت قوای جسمانی، آماده مبارزه با دشمن بیرونی و درونی می‌شدند و سبک بنای کنونی زورخانه‌ها به خانقاه‌ها و زوایای مخصوص اهل تصوف، شبیه‌تر است تا محلی برای ورزش» (همان: ۵۹-۶۰).

زورخانه‌ها از نظر معماری، از خانقاه‌های دوره‌های اسلامی نیز متأثر هستند و شکل آن‌ها «به تکیه‌ها و تکیه‌ها به خانقاه‌ها و خانقاه‌ها به آتشکده‌های دوره باستان ایران می‌ماند» (انصاف‌پور، ۱۳۵۱: ۶). در

بحث شکل و معماری، گود زورخانه‌ها متأثر از مضامین عرفانی است: «گود زورخانه به صورت بسیار محسوسی از سنت دراویش خاکساریه تبعیت کرده است. مواردی از قبیل درخاک‌شدن، در جای پست ورزش کردن برای دوری از نخوت و غرور، خاک‌پاشیدن در محل کشتی و واژه‌ها و عباراتی مانند خاک‌کردن، درخاک‌نشستن و ... باوجوداینکه دیگر در میدان مبارزه کشتی‌گیران خاکی وجود ندارد، متأثر از این سنت دیرین است» (حیدری، ۱۳۹۱: ۶۵).

ضرورت وجود مرشد در زورخانه‌ها برای مدیریت زورخانه و تعلیم پهلوانان، یادآور ضرورت وجود پیر و مرشد در طی مراحل سلوک در خانقاه‌هاست. چرخ‌زدن پهلوانان در گود را نیز می‌توان متأثر از سماع صوفیانه دانست: «چرخ‌زدن در زورخانه‌ها از تمرینات جنگی به حساب می‌آمده است. حتی گاهی در جنگ‌ها برای دفع دشمن و ... از چرخیدن به شیوه پهلوانان زورخانه استفاده می‌شده است» (همان: ۶۹).

با وجود مضامین اخلاقی و ارزشی در زورخانه‌ها، از آنجاکه «در آیین تصوف نیز غایت تواضع را اساس شجاعت دانسته‌اند» (همان: ۶۵) می‌توان حتی در ساحت عرفان و تصوف - که بیشتر بر پرورش روح و جان تأکید دارد - رگه‌هایی از اهمیت به اصل شجاعت و قدرت‌طلبی را مشاهده کرد. از این رو، زورخانه در بحث‌های ارزشی و اخلاقی، متأثر از تصوف و عرفان اسلامی و در بحث پروردن تن و ورزش، متأثر از فرهنگ حماسی است که در این میان، در بحث تیمن و تبرک نیز به شدت از فرهنگ شیعی تأثیر پذیرفته است.

۲-۶. تأثیر ورزش زورخانه‌ای از مذهب تشیع

با ورود اسلام به ایران، هنر، فرهنگ و ادب ایرانی با مضامین اسلامی ممزوج گردید و با وجود حفظ اصالت و ماهیت، در سیر تکاملی خویش، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت و خاصه با رسمی‌شدن مذهب تشیع در عهد صفوی این تأثیرپذیری به اوج خود رسید و این مضامین در راستای اشاعه تفکر شیعی و روشن نگاه‌داشتن مکتب علوی، بسط و گسترش ویژه‌ای یافت و با آیین و فرهنگ ایرانی عجین شد که امروزه تفکیک آن‌ها از مظاهر ایرانی سخت می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین موارد این‌گونه از تأثیرپذیری‌ها، زورخانه‌ها هستند که در کنار حفظ و حراست از آیین‌های اساطیری و ترویج فرهنگ حماسی و پهلوانی، چراغ تشیع را نیز همواره در خود روشن نگاه داشته و در پاسداشت آن کوشیده‌اند و از این جهت نمونه عالی و متعالی‌ای از سازواری میان فرهنگ ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌روند که توانسته‌اند در مکانی با این وسعت کم، مضامین متنوعی را در خود جای دهند و در آن واحد، امدار و متأثر از همه آن‌ها باشند و جای بسی شگفتی است که در کنار مضامین اساطیری و آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی، نمادهای اسلامی و شیعی نیز حضور دارند: «در قرن یازدهم ورزش پهلوانی به نهایت ترقی رسیده و امر ورزش با اختلاط با مذهب، صورت دیگری به خود

گرفته است. مظاهر و مراسم تشییع در زمان سلاطین صفویه در زورخانه رواج یافته است و زورخانه همواره با مذهب شیعه و شاعران آن همراه بوده است. این ورزش با تمامی نهضت‌های شیعی‌ای چون: علویان، شعوبیان، عیاران، شطاران، اسماعیلیان و سربداران پیش رفته و تحت تعالیم و شاعران آن‌ها بالنده شده است» (پرتو بیضایی، ۱۳۳۷: ۶۷).

در اجرای مراسم زورخانه‌ای، سادات علوی مقدم بر دیگران هستند و نکوداشت اعیادی چون غدیرخیم در زورخانه‌ها با احترام خاصی برگزار می‌شود و مرشدان و پهلوانان از باب تیمن، تبرک و نیروافزایی، مدام از حضرت امیر^(ع) و اولاد ایشان یاد می‌کنند و همواره نام مبارک ایشان را در فضای زورخانه‌ها جاری می‌سازند. در معماری و شکل زورخانه‌ها نیز تأثیرپذیری از مذهب تشیع آشکار است: «گود زورخانه را به شکل گرد، چهار، شش و هشت گوش می‌ساختند. نام گود و گردبودن آن احتمالاً از گودال قتلگاه حضرت سیدالشهدا^(ع) در صحرای کربلا گرفته شده است. معمولاً عمق گود را ۷۲ سانتی-متر به یاد ۷۲ شهید کربلا می‌سازند. شش‌گوشه بودن زورخانه به دلیل شش‌گوشه بودن قبر امام حسین و همچنین برگرفته از شش‌جهت است. معتقدان به هشت‌گوش بودن گود، هشت در بهشت را شاهد می‌آورند و همچنین به نوبت امامت علی بن موسی الرضا^(ع) اشاره می‌کنند» (قاسمی گل‌افشانی، ۱۳۹۵: ۷۲). یکی از مهم‌ترین نمادهای زورخانه‌ای، وجود زنگ در آن است که توسط مرشد نواخته می‌شود و مخصوص پیشکسوتان و جهان‌پهلوانان است که با ورود پهلوانان، این زنگ به منظور توجه حضار و ادای احترام به صدا درمی‌آید که در این میان، برخی از پهلوانان صاحب زنگ، صاحب صلوات نیز هستند که از مقام شامخ و والای آن‌ها در مقایسه با سایر پهلوانان حکایت دارد و این زنگ که به «زنگ حیدری» مشهور است، متأثر از مکتب تشیع است.^۷

نتیجه‌گیری

اهمیت و لزوم توجه به سلامت جسم و تن در دین اسلام، مورد تأکید و توجه فراوان است و قهرمانان اسلامی همواره در کنار سجایای اخلاقی و معنوی، در بهره‌مندی از توانایی و قدرت بدنی نیز مورد توجه و ستایش قرار گرفته‌اند. پیش از اسلام این موضوع در تعالیم آیین مهری و زرتشتی هم دارای جایگاه والایی است و خود خدای مهر به صورت ایزدی نیرومند و قوی توصیف شده است و طبق آموزه‌های اوستا نیز ناتندرستی منتسب به اهریمن است و زرتشت، پیروان خود را به تقویت تن و جسم دعوت می‌کند. پس از عصر اساطیری و آیینی، در ساحت حماسی و پهلوانی، این دیدگاه به اوج خود می‌رسد و با شکل‌گیری شخصیت‌های پهلوانی، انسان زور و توانایی خویش را به رخ طبیعت و خدایانی می‌کشد که پیش از این، خود را مقهور و زبون آن‌ها می‌دانست و آن‌ها را قدرتمندتر از خود می‌پنداشت. هر آیین و فرهنگ تازه‌ای که در جامعه ظهور می‌کند، به دنبال آن در پی ایجاد مکانی است برای حفظ و اشاعه آن آیین و فرهنگ و به همین سبب در ایران نیز از دیرباز، همپای تغییرات و تحولات آیینی و

فرهنگی، پایگاه‌هایی برای ترویج آموزه‌های نو، جذب مردم، عبادت، تصمیم‌گیری و غیره تأسیس می‌شدند و بالتبع پایگاه‌های پیشین نیز توسط پیروان آیین نو تخریب و به دست فراموشی سپرده می‌شدند. با ورود آیین زرتشت، مهرابه‌های میتراپی از بین رفتند و به‌جای آن، آتشکده‌هایی در سراسر ایران ساخته شدند که با ورود اسلام نیز مساجد و تکایا، جایگزین آتشکده‌های زرتشتی شدند و با شکل‌گیری اندیشه‌های صوفیانه، خانقاه‌ها در کنار مساجد قد علم کردند؛ اما در میان این مکان‌های آیینی و عبادی، پایگاه‌هایی مردمی نیز با اهداف متعددی پا گرفتند که متعلق به مردم متوسط جامعه بودند که در آن‌ها، فنون دفاعی آموزش داده می‌شد تا در صورت تهاجمات شهری، خود مردم بتوانند به‌شکل مستقل از خود دفاع کنند و وابسته به نیروهای نظامی نباشند. این مراکز گاهی مورد تأیید حکومت‌ها بودند و گاهی با آن‌ها اختلاف نظر داشتند؛ اما با وجود این، با تغییرات جوامع و دولت‌ها همواره جایگاه و موجودیت خویش را حفظ کردند و به‌دلیل همین مانایی و بقا، وامدار تمامی فرهنگ‌ها و آیین‌های پیش از خود به‌شمار می‌روند که در هر دوره‌ای، از نمادها و مضامین شاخص آن دوره، بهره گرفته و از آن متأثر شده‌اند. زورخانه به‌عنوان شاخص‌ترین این مکان‌ها، نمونه‌عالی و متعالی از وفاق و سازگاری فرهنگ‌های مختلفی است که از دیرباز در ایران به دوره‌های ایرانی و اسلامی تقسیم‌بندی شده‌اند و سال‌هاست اندیشمندان بسیاری در باب وفاق و اشتراکات آن‌ها و یا تفاوت و اختلافات آن‌ها، داد سخن داده‌اند، درحالی‌که زورخانه‌ها نمونه‌ای عینی و زنده از این تعامل و سازگاری میان فرهنگ ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌روند که در مکانی کوچک توانسته‌اند در تمامی ابعاد از جمله در بحث تربینات و نماد، شخصیت‌ها، عملکرد و غیره وفاق ایجاد کنند و وامدار تمامی گذشته‌ی یک ملت باشند.

- زورخانه‌ها در شکل و معماری، متأثر از شکل مهرابه‌های مهرپرستی هستند و مانند آن‌ها در فضاهایی کوچک و کم‌نور و در سطحی پایین‌تر از زمین بنا شده‌اند و طاق زورخانه‌ها نیز متأثر از مهرابه‌های باستانی است و سکوه‌های تعبیه‌شده در آن نیز شباهت زیادی به سکوهایی دارد که در مهرابه‌ها برای حضور و نشستن مهرپرستان ساخته می‌شده است. علاوه بر بحث شکل و ظاهر، برهنگی پهلوانان، عدم جواز ورود زنان، حضور مردان جنگی و کارآمد و غیره قابل تطبیق بر آموزه‌های مهرپرستی است.

- کشتی به‌عنوان مهم‌ترین ورزش زورخانه‌ای می‌تواند متأثر از آیین زرتشتی باشد که کشتی‌بستن از دیرباز بین زرتشتیان مرسوم بوده است.

- ورزش باستانی در بحث نام زورخانه و لقب پهلوانان، در مرام و مسلک و نیز در استفاده از جنگ‌افزارهای باستانی به‌عنوان ابزار ورزشی، وامدار فرهنگ حماسی و پهلوانی ایران قدیم است.

- زورخانه‌ها در بحث شکل و ظاهر از منظر زوایا و گود، متأثر از خانقاه‌ها هستند و ضرورت حضور مرشد در زورخانه‌ها برای تعلیم پهلوانان، یادآور لزوم وجود پیر و خضر برای سالکانی است که در پی

سعادت و سلامت نفس هستند. چرخ‌زدن پهلوانان در گود را نیز می‌توان نمادی از سماع صوفیانه دانست.

- با رسمی‌شدن مذهب تشیع در ایران، زورخانه‌ها در بحث شکل و معنا به شدت از فرهنگ شیعه تأثیر پذیرفته‌اند و همواره در کنار یادکرد پهلوانان حماسی، نام و خاطره پهلوانان دینی را نیز زنده نگاه داشته‌اند و این تأثیرپذیری، در معماری گود نیز کاملاً مشهود است.

یادداشت‌ها

۱. در فرهنگ مسیحیت، یکشنبه در میان سایر ایام هفته، روزی مقدس و تعطیل است که نام این روز برگرفته از ستایش خورشید است. Sunday = روز خورشید.

۲. شاید بتوان اصطلاح «سر شاخ شدن» را در کشتی، متأثر از این نقش مهری دانست.

۳. مراتب زورخانه: کهنه‌سوار، مرشد، صاحب زنگ و ضرب، پیشکسوت، نوحاسته، صاحب کلاه و تاج و بازوبند پهلوانی. مراتب هفتگانه پیروان آیین مهری: کلاغ، نامزد، جنگی، شیر، پارسی، مهرپویا، پدر و پیر. برخی مراتب زورخانه‌ای مانند نوحاسته، پیشکسوت و پهلوانی با مراتب مهری نامزد، پیر و جنگی قابل تطبیق است.

۴. علاوه بر مواردی که در بیان همانندی‌های آیین مهری و زورخانه‌ای بدان اشاره شد، مرحوم بهار در کتاب *ورزش باستانی ایران* و ریشه‌های تاریخی آن همانندی‌هایی دیگری را نیز مطرح کرده‌اند که برخی از آن‌ها نسبت به مواردی که در متن مقاله بدان‌ها پرداختیم، اعتبار کمتری دارند و به دلیل جنبه فراگیر و عمومی‌شان، نمی‌توان آن‌ها را صریحاً به آداب مهرپرستی منتسب دانست. مواردی چون: ساختن مهرابه‌ها و زورخانه‌ها در کنار آب‌های جاری، آبدان‌های موجود در معابد مهری و زورخانه‌ها، زنگ زورخانه و مهرابه‌ها، وجود قمه و دشنه پهلوانان در مقایسه با دشنه خدای مهر، سحرخیزی پهلوانان در مقایسه با طلوع خورشید و قداست آن در میترائیسم، سنت دستگیری پهلوانان از توده مردم در مقایسه با اوصاف دادگری و حمایتی خدای مهر در مهریشت و غیره.

۵. وجود آتش در زورخانه‌ها را نیز می‌توان نشانه‌ای از تأثیرپذیری از آیین زرتشت دانست؛ اما چون روشن‌کردن آتش در معابد و مکان‌های مقدس از دیرباز در میان همه اقوام مرسوم بوده است، منتسب‌دانستن مستقیم آن به آیین زرتشت جای تأمل دارد.

۶. ورزش کشتی، نشانه‌ای دیگر از بزرگ‌نمایی مفهوم انسانی در ساحت حماسی است که پهلوان بی‌ابزار و جنگ‌افزار، در پی اثبات نیروهای درونی خویش است که تنها با اتکاء بر زور و بازوی خویش می‌تواند پیروز میدان نبرد باشد که در صورت استفاده از ابزار سنگین جنگی نیز تلویحاً به این قدرت بدنی اشاره دارد.

۷. علاوه بر تصوف، زورخانه و ورزش‌های باستانی از آیین فتوت و عیاری نیز متأثر هستند که به دلیل همانندی‌های بی‌شمار با موارد ذکر شده، از نقل آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنیم. برای مطالعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: حیدری، علی. (۱۳۹۱). «جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران»، دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال دوم، ش ۴: ۶۶-۶۱.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- آقایی مطلق، پدram. (۱۳۹۰). *ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای*؛ تهران: منشور سمیر.
- احمدی، سعید. (۱۳۸۴). *معماری صخره‌ای در ایران* (هنر معماری مساجد)؛ ج اول، تهران: رسانش.
- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۱). *تاریخ و فرهنگ زورخانه*؛ چاپ اول، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۷۲). *شاهنامه آخرش خوش است*؛ تهران: عطایی.
- باقری، مهری. (۱۳۹۳). *دین‌های ایران باستان*؛ چاپ هفتم، تهران: قطره.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۰). *ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن*؛ تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- پرتو بیضایی، حسین. (۱۳۳۷). *تاریخ ورزش باستانی ایران*؛ تهران: چاپخانه حیدری.
- تهرانچی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *ورزش باستانی از دیدگاه ارزش*؛ تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۴۴). *پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای*؛ تهران: کتاب‌سرا.
- ضابطی جهرمی، احمد. (۱۳۸۹). *پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران*؛ چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه*؛ به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: سخن.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۱). *تاریخ ادیان و مذہب در ایران*؛ تهران: فرهنگ مکتوب.
- کاظمینی، کاظم. (۱۳۴۳). *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*؛ تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- ورمازرن، مارتین. (۱۳۴۵). *آیین میترا؛ ترجمه بزرگ نادرزاده*، تهران: دهخدا.

مقالات

- الهی، صدرالدین. (۱۳۷۳). «نگاهی دیگر به سنتی کهن، زورخانه»؛ *مجله ایران‌شناسی*، شماره ۶، صص ۷۲۶-۷۴۵.
- بهار، مهرداد. (۱۳۹۰). «آیین مهر و ورزش باستانی»؛ *نشریه حافظ*، شماره ۸۸، صص ۱۲-۱۶.
- حیدری، علی و ناصر دولت‌شاه. (۱۳۹۱). «جلوه‌های تصوف، فتوت و تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران»؛ *دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزش و رفتار حرکتی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۷-۷۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۷). «اماکن مقدس با پیشینه نیایشگاه مهر»؛ *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱۰-۱۵.
- صدیق، مصطفی. (۱۳۴۳). «زورخانه و ورزش باستانی»؛ *فرهنگ و زندگی*، دوره سوم، شماره ۲۶، صص ۶-۱۵.

- قاسمی گل افشانی، کاظم. (۱۳۹۵). «تاثیر آموزه‌های دینی بر معماری زورخانه»؛ *رشک آموزش هنر*، ش ۳، صص ۷۰-۷۳.

- گودرزی، محمود. (۱۳۸۳). «سیر تطوّر ورزش باستانی و زورخانه‌ای در ایران»؛ *نشریه فرهنگ*، شماره ۲۲، صص ۱۴۹-۱۷۰.

منابع لاتین

-Vermasern. (1963). *Mithras. the secret God*. London .pp 43-37.

-Cumont. (1956). *The Mysterieso of Mithra*. New York.